



## رابطه آزادی با انسان / ارزش هر سخن به توان نقدپذیری آن است

آزادی آبروی تاریخ انسان است و آزادی برای انسان نشان پولادین افتخار است که به انسان جایگاه شهروندی می‌دهد، چرا که انسان‌ها بدون داشتن آزادی شهروند یک جامعه محسوب نمی‌شوند بلکه افراد یک جامعه هستند.

آزادی آبروی تاریخ انسان است و آزادی برای انسان نشان پولادین افتخار است که به انسان جایگاه شهروندی می‌دهد، چرا که انسان‌ها بدون داشتن آزادی شهروند یک جامعه محسوب نمی‌شوند بلکه افراد یک جامعه هستند.

"آزادگی به خود بودگی کامل است"، اما به خود بودگی کامل به چه معناست؟ به خود بودگی کامل بدین معناست که موجود (انسان و یا حیوان) بیرون از هر حدود و قیود باشد و تحت سلطه‌ی خانواده و گروه و اجتماع نباشد. آزادی با چنین صورت خام و خالص و وحشی نه در زندگی شخصی و اجتماعی انسان و نه در زندگی رمه‌یی و وحشی حیوانات و جانوران قابل وقوع است، بلکه تنها برای چنین صورتی خام و خالص می‌توان قالبی انتزاعی را فرض و قائل بود.<sup>1</sup>

انتزاع چیست؟ انتزاع به گونه‌های متفاوتی که دارای مایه‌ی اشتراک هستند تعریف شده است. اما من تعریفی از انتزاع ارائه می‌کنم که شاید مایه‌ی اشتراکی با دیگر تعاریف نداشته باشد و یا دارای مایه اشتراک اندکی با دیگر تعاریف باشد. من برای انتزاع دو صورت که یکی انتزاع و دیگری انتزاع محض است قائل هستم. انتزاع بدین معناست که فرد تا حدودی مستقل از باورهای جاری در اجتماع و تاریخ صورت و یا طرح و یا تزی را در ذهن (عقل) خود تداعی و طراحی می‌کند.

تا حدودی به چه معناست؟ تا حدودی بدین معناست که فرد یکی از باورهای جاری در اجتماع را گرفته و بر اساس این باور صورت و طرحی دیگر بنا می‌کند و هر چند پایه و اساس این صورت و طرح از دیگری است اما شخص با تکیه بر توانایی‌های فردی صورت و باوری جدید را ارائه می‌کند. در کل در این صورت و طرح انتزاعی هر چند بخش و یا بخش‌هایی از آن متعلق به باورهای پیشین اجتماع و تاریخ است اما شخص بخش و یا بخش‌هایی جدید را هم ارائه کرده که تا پیش از این در تاریخ و اجتماع وجود نداشته و این بخش و یا بخش‌های جدید متعلق به فرد طراح و ارائه دهنده هستند.

انتزاع محض چیست؟ انتزاع محض ترسیم صورت و یا طرح و یا تزی مستقل و بدون تکیه بر باورهای جاری تاریخ و اجتماع است. به عبارتی روشن‌تر شخص طراح برای ارائه صورت و تزی خود به هیچ یک از باورهای جاری در تاریخ و اجتماع رجوع نمی‌کند و هیچ یک از این باورها را پایه و اساس طرح خود قرار نمی‌دهد بلکه طرحی نو در می‌افکند که در اساس و پایه از آن خود طراح است.

پس اکنون به این پرسش می‌رسیم که انسان چیست؟ از لحاظ فلسفی و منطقی انسان حیوانی است ناطق. از لحاظ سیاسی و اجتماعی انسان موجودی است اجتماعی. اما این دو تعریف برای ما راهگشا نیست و ما اکنون براساس این دو تعریف راه به جایی نخواهیم برد. هر چند برای آزادی تعریفی انتزاعی محض ارائه کردم اما در این جا برای انسان تعریفی انتزاعی در قالب فلسفه سیاسی ارائه می‌کنم. انسان واحدی اجتماعی با قالبی تاریخی مشخص با ارزش‌های مادی و معنوی مخصوص به خود است. اما تناسب انسان با آزادی چیست؟ آزادی آبروی تاریخ انسان است. آزادی برای انسان نشان پولادین افتخار است که به انسان جایگاه شهروندی می‌دهد. انسان‌ها بدون داشتن آزادی شهروند یک جامعه محسوب نمی‌شوند بلکه افراد یک جامعه هستند. به واقع تا این که انسان به آزادی دست نیافته باشد به جایگاه شهروندی نائل نخواهد آمد. در جوامع بسته عنوان شهروندی پرستیژ بزرگ شده ایست که به افراد اطلاق می‌شود. از آن جایی که با نبود آزادی معیارهای شهروندی به یک شخص تعلق نمی‌گیرد پس در یک جامعه‌ی بسته واژه‌ی شهروندی برای شخص پرستیژی درون تهی است که برای شخص هیچ گونه بار فردی و اجتماعی نخواهد داشت.

ارزش‌هایی چون حریم شخصی و آزادی قلم و آزادی دین معیارهای شهروندی هستند که آن گاه که انسان آن‌ها را به دست آورد به واقع به جایگاه شهروندی نائل آمده است و این ارزش‌ها به دست نخواهند آمد مگر این که جامعه به آزادی رسیده باشد.

اکنون به پرسش پایانی می‌رسیم. آزادی انسانی چیست؟ با آن تعریفی که از آزادی ارائه کردیم آزادی در صورت خام و خالص بودن نمی‌تواند به کار انسان آید و به درد انسان بخورد و عنوان آزادی انسانی را به خود بگیرد. پس خواهی نخواهی برای این که آزادی بتواند قالب انسانی بر خود بیپوشد و با عنوان آزادی انسانی شناخته شود باید حدود و ثغور را بر خود بپذیرد. اما باید مشخص کنیم که منظور از حدود و ثغور برای آزادی چیست؟ حدود و ثغور در حوزه‌ی اجتماع و آزادی بدین معناست که هر شخص دارای حریمی مشخص و محدود به خود است. حریم خصوصی هر شخصی به حریم خصوصی دیگر اشخاص تکیه می‌زند و هر شخص حق ورود به حریم شخصی دیگر افراد را نخواهد داشت. حریم شخصی حریم قدسی هر شخص محسوب می‌شود و نه فقط دیگر افراد جامعه حق ورود به این حریم شخصی و قدسی فرد را نخواهند داشت بلکه دولت به عنوان قدرتمندترین نهاد سیاسی اجتماعی جامعه هم حق ورود به حریم خصوصی افراد را نخواهد داشت.

حریم خصوصی تنها به معنای خانه و محل کار نیست. بلکه حریم خصوصی همانند پوست صورت پرستیژ لاینفک هر فرد محسوب می‌شود و به صورت مدام با فرد خواهد بود. با این توصیف از حریم خصوصی ایجاب می‌کند تا اکنون چندی از گونه

هایی که بوجود آورنده ی حریم خصوصی هستند را نام ببریم. چند نمونه از حریم خصوصی شامل نوع دین و نوع مذهب و نوع رابطه ی اجتماعی و نوع خوردن و نوع نوشیدن می شود.

در این جا پرسشی دیگر مطرح می شود و آن این که آیا جامعه و شخص پس از به دست آوردن این انواع به آزادی انسانی نائل آمده است؟ هر آن گاه که شخص با داشتن این حریم خصوصی دارای آزادی های قلم و بیان باشد و بتواند آزادانه تمامی ارکان حاکمیت را به نقد و چالش بگیرد و جامعه با رأی اکثریت بتواند قدرت سیاسی را جابه جا کنند فرد به آزادی انسانی نائل آمده است و آزادی انسانی تحت عنوان دموکراسی همانند یک چتر بر جامعه و کشور گسترانده شده است. در یک جامعه ی دموکرات دستان مردم تفویض کنندگان قدرت سیاسی هستند. بر همین اساس هر فردی که خواستار قدرت سیاسی است باید اندیشه ی خود را در اختیار جامعه بگذارد و به پرسش و نقد جامعه پاسخ گو باشد. پس در جامعه ی آزاد ارزش هر سخن به توان نقدپذیری آن است.

اما به تناسبی که در پشت هر رأی و نقدی خرد سیاسی و اجتماعی نهفته باشد کیفیت رشدی بالایی و پایینی خواهد داشت. پس بدون شک سطح مطالعه عامل اصلی و اساسی در رشد خرد سیاسی و اجتماعی فرد و جامعه خواهد بود.

قیصر خسروان (کلی)

1- آزادی- برای آگاهی بیش تر درباره نظر نویسنده این مقاله درباره ی آزادی بنگرید- فرهنگ فلسفی و فلسفه سیاسی- چاپ سوم- بخش آزادی- قیصر خسروان (کلی) - نشر پایان.